

تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷ م.

سعید محمدی^۱ و اسماعیل شفیعی سروستانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

چکیده

مقاله حاضر به چگونگی روابط دو کشور آمریکا و جمهوری آذربایجان در رابطه با جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا از بعد استقلال این کشور از شوروی شکل گرفت. آمریکا که خود را در عرصه جهان بی‌رقیب می‌دید، خواهان ایفای نقشی فعال و مؤثر در کشورهای استقلال یافته از اتحاد شوروی بود. تمایل این کشورها به ویژه جمهوری آذربایجان به غرب-به‌خصوص به آمریکا- این نفوذ را آسان تر می‌کرد. بنابراین، جمهوری آذربایجان به دلیل فقدان مبانی قدرت از جمله فقدان عمق استراتژیک، جمعیت کم، جبران ضعف قدرت نظامی امنیت خود را در خروج از نفوذ روسیه و در محور پیوستن به غرب و به ویژه ناتو و آمریکا جستجو می‌کند. در نقطه‌ی مقابل ایران در محور پیوستگی منطقه‌ای و دوری از محور آمریکا حرکت می‌کند، جمهوری آذربایجان چالش‌های امنیتی-اقتصادی و سیاسی زیادی برای کشور همسایه خود یعنی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. جمهوری آذربایجان یکی از گروه کشورهای است که سیاست خارجی خود را با آمریکا و غرب گره زده و اهداف خود را در توسعه جغرافیایی و دولت-ملت سازی نسبت به خاک ایران تعریف کرده است.

کلید واژه‌ها: دولت ملت سازی، ایران، آذربایجان، آمریکا، امنیت ملی.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

محمدی، سعید؛ شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۴۰۰). «تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷ م.». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، صص ۱۰۶-۷۹.

^۱. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا،

ایران. ایمیل: Smohammadi199@gmail.com

^۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شهرضا، ایران.

ایمیل: esmaeilshafiee@yahoo.com

کی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، آمریکا که خود را در عرصه جهان بی‌رقیب می‌دید خواهان ایفای نقشی فعال و مؤثر در کشورهای استقلال یافته از اتحاد شوروی بود و تمایل این کشورها به ویژه جمهوری آذربایجان به غرب - به خصوص به آمریکا - این نفوذ را آسان تر می‌کرد. اما در عین حال این روابط رو به رشد تداوم اختلافات در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، روابط با رژیم امریکا و اسرائیل و پیوستن به ناتو و ... از جانب آذربایجان به یک سدی در سیاست خارجی این کشور تبدیل شده است. بنابراین به رغم وجود برخی فرصت‌ها برای ارتقای سطح روابط دو کشور ایران و آذربایجان، عوامل چالش‌زا عملاً محدودیت فراروی روابط تهران و باکو را افزایش داده است. در این صورت یکی از مهم‌ترین دلایل این اقدام همکاری متقابل که از توسعه روابط به صورت عملی جلوگیری می‌کند، ایفای نقش برجسته‌تر رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران و نیز علاقه دولتمردان باکو در همکاری با آن‌ها می‌باشد.

با وجود این که پیوندهای فرهنگی، مذهبی، زبانی، قومی و تاریخی و همچنین قرابت سرزمینی و وجود مرزهای مشترک، زمینه‌ی برقراری روابط بین ایران و آذربایجان را ضروری می‌سازد و علیرغم این که هویت ایرانی بخشی از هویت اقوام ساکن در آذربایجان است، اما به دلیل دوری سیاست آذربایجان و ایران، فضا برای نفوذ دیگران مهیا شده است. وجود روابط سیاسی و امنیتی آذربایجان و امریکا باعث طرح این مسئله می‌شود که با توجه به این که ایران در آذربایجان حضور مثبت ندارد، احتمال حضور کشورهای معارض ایران یعنی آمریکا وجود دارد و بتواند از طریق روابط دوستانه، کمک مالی و نظامی، انجام سیستم ضد ایرانی و تبلیغ افکار دروغین و بی‌اساس در شبکه‌های دولتی، وجود پایگاه نظامی (گرفتن استقلال از آذربایجان) و فشار بر دولت و پیاده کردن استعمار نو در این کشور، عامل منفی در امنیت ملی ایران باشد.

با توجه به این که؛ مفهوم و مؤلفه‌ی اصلی این پژوهش، «امنیت» و «دولت-ملت‌سازی» است، بنابراین ارائه تعریفی دقیق و روشن از هر کدام از این مؤلفه‌ها، ضروری و با اهمیت، به نظر می‌رسد. با این حال، دفاع، واکنش مشروع انسان برای تضمین حیات مادی و معنوی، در برابر عوامل مهاجم است. بر همین اساس، با توجه به ویژگی‌های خاص جمهوری اسلامی ایران از نظر مبانی «فکری و ایدئولوژیک»، موقعیت «ژئوپلیتیک» و نیز «ژئواستراتژیک» و با توجه به این که در طی دهه‌های اخیر مفهوم امنیت و امنیت ملی دستخوش تحول شده، در این مقاله ضرورت توجه به این امر مهم را مضاعف می‌کند. ایران می‌تواند با ارائه راهکارها و شیوه‌های مناسب در زمینه‌های «اعتمادسازی» متقابل با کشورهای همسایه، توسعه «امنیت‌بومی» و ایجاد هم‌گرایی کارآمد و خنثی‌سازی تحرکات دشمن برای تضعیف امنیت، ارتقای سطح همکاری‌های امنیتی در منطقه و تقویت نهادهای امنیتی داخلی، مفید و مثمر واقع شود.

۲. مبانی

امنیت: از سال ۱۹۹۱م، «امنیت» به صورت یک مفهوم مورد اختلاف و جدل در روابط بین‌الملل درآمده است. به هر حال واژه امنیت دارای دو معنای ایجابی و سلبی است، که ایجابی یعنی، وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت‌مردان و شهروندان و سلبی یعنی، نبود ترس، اجبار و تهدید. پس می‌توان گفت که امنیت عبارت است از رهایی از وحشت، خوف، خطر و داشتن آرامش و اطمینان در حراست و صیانت از ارزش‌ها و منافع حیاتی کشور (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۷۲). حفاظت جامعه و ارزش‌ها و نهادهای داخلی آن در برابر تهدیدات اعم از داخلی و خارجی؛ تهدیداتی که بقای رژیم‌ها و نظام شهروندی و شیوه‌ی زندگی آحاد جامعه را مختل می‌کند و موجودیت آن‌ها را به خطر می‌اندازد.

امنیت ملی: واقع‌گرایانی مانند «مورگنتا»، امنیت ملی را هم‌معنای «قدرت نظامی» در نظر گرفته‌اند. و اعتقاد دارند که کشمکش بر سر قدرت، هدف دولت‌مردان در بحث «امنیت ملی» است. «باری‌بوزان» اعتقاد دارد امنیت ملی از نظر مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف، مبهم و از نظر سیاسی، مفهومی قدرتمند است. بنابراین، امنیت ملی عبارتست از وضعیتی که در آن یک کشور نسبت به منافع و ارزش‌های حیاتی خود، تهدید جدی احساس نکند (تقی‌پور، ۱۳۸۷: ۳۹). و یا تعریفی دیگر می‌گوید امنیت ملی عبارت است از توانایی یک کشور در دفع تهدیدهای خارجی، علیه حیات سیاسی یا منافع ملی (مرادیان، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

دولت ملت‌سازی: در واقع در واژه‌شناسی علوم سیاسی دولت‌های مدرن را دولت ملت می‌نامند. فرایند ملت‌سازی، به هر صورت تلاشی برای ایجاد یک ملت در سرزمین مشخص است و تنها تفاوت آن در عوامل کوشنده برای به وجود آوردن یک واحد سیاسی - اجتماعی است (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

۳. مبانی نظری فرایند ملت‌سازی

ملت‌سازی ایجاد یک فرهنگ ملی مشترک در حوزه مرزهای یک کشور است که در برگیرنده خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های محلی نیز هست. به این معنی همه مناطق یک قلمرو پیرو اصول و کلیات فرهنگی یکسان هستند و ممکن است بتوانند ویژگی‌های فرهنگ محلی خود را نیز حفظ کنند. مسئله اخیر تا اندازه زیادی بستگی به این موضوع دارد که فرهنگ محلی خود را نیز حفظ کنند دولت‌ها مهندسان فرهنگی نقاط مشترک این فرهنگ‌ها را تقویت می‌کنند. البته در گذشته قرن نوزدهم و اوایل بیستم دولت‌ها برای رسیدن به این مرحله با جنگ و کشتار و حذف فیزیکی حاملان فرهنگ‌های متضاد با آنچه می‌بایست فرهنگ عمومی ملت را تشکیل دهد پیش رفتند

و برخی دیگر به ممنوعیت‌های زبانی کوچ اجباری انکار یا طرد هویت‌های قومی روی آوردند (سیف-الدینی، ۱۳۹۳: ۱۹۶).

اصطلاح ملت‌سازی در دهه ۱۹۹۰م. مورد کاربرد و استفاده گسترده‌تر قرار گرفت. کاربرد این مفهوم در دهه ۵۰ و ۶۰م. بیش‌تر در حوزه‌های امنیتی و توسعه‌ای و سیاست خارجی دیده می‌شد و عموماً با مفهوم مدرنیزاسیون گره خورده بود و در دهه‌های بعدی علاوه بر این که توانست اهمیت خود را در حوزه پیشین حفظ کند وارد مباحث جدیدتری از قبیل مسائل توسعه و اجتماعی و استراتژیک شدند. امروزه ملت‌سازی در معانی جدیدی به کار می‌رود و آن دولت‌سازی است؛ اما این عبارت در معانی جدیدی به کار می‌رود که یک تعریف ترکیبی از آن را «دولت - ملت‌سازی» می‌نامیم. در واقع در واژه‌شناسی علوم سیاسی دولت‌های مدرن را دولت ملت می‌نامند. فرایند ملت‌سازی، به هر صورت تلاشی است برای ایجاد یک ملت در سرزمین مشخص و تنها تفاوت آن در عوامل کوشنده برای به وجود آوردن یک واحد سیاسی - اجتماعی است (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

۴. الگوهای نظریه پردازان

۴-۱. الگوی استین روکان

استین روکان متفکری است که در آثار خود ارتباط تنگاتنگی بین تداوم ساختاری و تغییرات در جوامع مدرن برقرار می‌کند. از نظر وی، فرهنگ‌های ملی همگی اموری بر خاسته‌اند و در جوامع متفاوت شکل و شمایل مختلف به خود گرفته‌اند. ناسیونالیسمی که در درون سنت‌های دیرپای مدرنیته قرار گرفته است، نخستین ویژگی آن طرح تاریخی ساختار خاص ارتباطات (مرکز - پیرامون) در اروپاست که منجر به افزایش دولت ملت گردیده است. مفهوم دیگری که توضیح می‌دهد، چگونه فرهنگ‌های ملی از تأثیر متقابل فعالیت‌های دولتی تجربه‌های تاریخی و تفسیر حافظه تاریخی به وجود می‌آیند (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۹۷).

۴-۲. الگوی ابداع سنت اریک هابسباوم

هابسباوم از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان و منتقدین در حوزه مسائل هویت ملی و ملیت است. او ملت و ناسیونالیسم را نه یک امر پیشینی، بلکه فراورده‌ی مهندسی اجتماعی می‌داند. از دید وی، نخبگان سیاسی حاضر در صحنه قدرت سیاسی، با ابداع سنت‌های ملی و بخشیدن خصلتی نمادین به آن‌ها، سعی در ملت‌سازی دارند. این نظریه یکی از شایع‌ترین نظریات علوم اجتماعی در حوزه پدیده ملت و ناسیونالیسم است. وی سه نوآوری عمده را به‌طور خاص از هم تمیز می‌دهد:

۱- رشد آموزش پرورش مقدماتی از طریق شکل‌گیری هم‌تراز سکولار در امر آموزش و پرورش

۲- ابداع آیین‌ها و مراسم عمومی (روزهای یادبود)

۳- تولید انبوه بناهای یاد بود ملی و تندیس‌ها

هابسیاوم معتقد است آنچه از نظر ذهنی ملت مدرن را می‌سازد، متشکل از این‌گونه ساخته یا نهادهایی متناسب با آن و به‌طور کلی متأخر با گفتمان‌های طراحی شده مانند تاریخ ملی ارتباط دارد. از نظر وی پدیده‌ی ملی را بدون توجه دقیق به ابداع سنت نمی‌توان به شکل صحیح بررسی کرد (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۹۸).

۴-۳. سه مرحله ناسیونالیسم میراسلاو هروش

هروش بر اساس خاستگاه ویژه‌ای که مبتنی بر ملاحظات تجربی بود، دسته‌بندی سه‌گانه‌ای برای روند شکل‌گیری جنبش‌های ملی کلاسیک و مطالبات آن‌ها قائل شد:

الف- مطالبه توسعه و تقویت زبان محلی و ارتقاء آن به زبان ملی بالقوه که باید در امور دیوانی، آموزش و پرورش و ... به کار گرفته می‌شد و رسمیت می‌یافت.

ب- ایجاد ساختار اجتماعی منظم میان نخبگان و توده.

ج- کسب حقوق مدنی و میزانی از خود مختاری اداری و سیاسی.

در مرحله «الف» فعالان قومی خود را وقف پژوهش در ویژگی‌های زبانی، تاریخی و فرهنگی گروه قومی خود می‌کنند.

مرحله «ب» فعالان مدنی و اجتماعی ظهور می‌کنند که هدف آن‌ها جلب نظر سایر اعضا گروه برای برانگیختن حس ملی است. هروش تأکید دارد که این فعالان در آغاز موفقیت چندانی به دست نمی‌آورد ولی در طول زمان موفق به کسب مقبولیت فزاینده می‌شوند.

هنگامی که آگاهی ملی دغدغه اکثریت جامعه قومی شود، جنبش توده‌ای شکل می‌گیرد که هروش آن را مرحله سوم می‌نامد. در این مرحله، ساختار اجتماعی کامل می‌تواند شکل بگیرد. از نظر هروش، با غلبان آگاهی ملی - قومی، مراحل ایجاد یک جنبش تکمیل می‌گردد (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۹۰)

۵. روند ملت‌سازی در جمهوری آذربایجان براساس الگوی استین روکان

الگوی استین روکان یکی از الگوهای رایج در بیش‌تر دولت‌های مدرن به‌شمار می‌رود که تا اندازه‌ی زیادی دارای ماهیت دموکراتیک و مدنی است؛ یعنی دولت از طریق آموزش و پرورش و خدمت نظام و همچنین مسائل اقتصادی، دست به هم‌سان‌سازی ساختاری زده و ناخودآگاه شهروندان را به کار می‌گیرد. روایت رسمی و نیمه رسمی دولت باکو از جنگ قراباغ و بازنمایی آن‌ها از عمل کرد ایران در این جنگ در کنار روسیه و کمک‌های مالی و نظامی فراوان به دولت ارمنستان

است. طبق برآوردهای تاریخی، ایران همیشه پشتیبان دولت باکو در جنگ قراباغ بوده است و در مقیاس بالا و به صورت پنهان و آشکار اقدامات گوناگونی از سوی ایران صورت گرفته است، مقامات ایران بنا به ملاحظات سیاسی، هیچ‌گاه این موضوعات را مطرح نکرده و هیچ وقت مطرح نخواهد کرد. در کتاب‌های درسی این جمهوری روایت‌های تاریخی متنوعی که معمولاً هیچ ربطی به متون تاریخی وقت، دست اول و معتبر ندارد، در خصوص جنگ‌های ایران و روس و معاهده ترکمانچای ماهیت حکومت صفویان و ... دیده می‌شود که حاکی از کوشش برای بر ساخت یک سبکه تاریخی مبتنی بر استقلال ملی و حضور مستمر در تاریخ است.

۶. نقش دولت در ملت‌سازی و مؤلفه‌های آن

ملت‌سازی عموماً به مفهومی اشاره دارد که از بالا به صورت عمودی و از سوی نخبگان دولتی صورت می‌پذیرد. روند ملت شدن به دو گونه طی می‌شود؛ پروسه تاریخی (ملت شدن) و یا پروژه دولتی (ملت‌سازی). ملت‌سازی بدون دولت تقریباً غیر ممکن است. نظریه پردازان که رویکرد مدرنیستی به ملت و ناسیونالیستی دارند، مفهوم ملت را پدیده‌ی دوران جدید می‌پندارند. ملت‌سازی در مرحله نخست، نیازمند تشکیل و تثبیت دولت در مرزهای مشخص و در مرحله دوم، ماهیت قدرت سیاسی نیز در روند ملت‌سازی مؤثر است. ملت‌سازی دارای سه مؤلفه مهم و حیاتی است:

۱- دارای یک ایدئولوژی با ویژگی هم‌گرایانه باشد. اغلب ناسیونالیسم ملی تشکیل دهنده ایدئولوژی مورد نظر محسوب می‌شود.

۲- وجود حداقلی از هم‌گرایی در جامعه است.

۳- وجود دولتی قوی است که بتواند وحدت سرزمینی را به کنترل خود در آورد.

از دیگر متغیرهای تعیین کننده، موفقیت دولت در ملت‌سازی میزان جذب و درگیر نمودن نخبگان قومی در فرایند ملت‌سازی است. در تبیین و ظهور دولت مستقل در جمهوری آذربایجان، یکی از موارد قابل بررسی، موضوع ملت‌سازی در این منطقه است که با اهداف از پیش تعیین شده و با شیوه‌های خاص سیاست‌های قومی را در این کشور پیش برد.

جمهوری آذربایجان به‌عنوان دولتی که ۲۳ سال از عمر آن می‌گذرد، بعد از تثبیت به یک صورت‌بندی گفتمانی دست زد که در آن سه غیر یا دیگری تعریف و مشخص می‌شدند که هر یک به نحوی در حال ضدیت با آن دولت قرار گرفته‌اند. این دولت با آموزش همگانی در مدارس و رسانه‌های مختلف سعی کرده با اسطوره‌سازی و تبدیل آن به تصور اجتماعی و تاریخ ملی، آمال تاریخی خاصی را برای جامعه تعریف نماید (سیف‌الدینی، ۱۳۹۳: ۱۹۵-۱۸۹).

۷. اهمیت ژئوپلتیک، ژئو اکونومیک و ژئو کالچر

از زمانی که مکنیدر، منطقه‌ی اوراسیا را برای سیادت بر جهان، حیاتی توصیف کرد و آن را قلب زمین نامید، بیش از یکصد سال می‌گذرد. اوراسیا در دوران جنگ سرد صحنه اصلی رقابت بین دو ابرقدرت جهان بود و اکنون نیز به نظر برژینسکی که یکی از طرفداران جدی بازی‌های سیاسی در اوراسیا است، در عصر پس از جنگ سرد نیز مورد اختلاف و درگیری قدرت‌های بزرگ باقی خواهدماند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این منطقه از زیر سایه‌ی سنگین آن خارج شده و نقش دیرین خود، به‌عنوان کلید دروازه‌های اوراسیا برای آمریکا و اروپا را باز یافت است و به نقش استراتژیک خود در پیوند دو قاره بازگشته است، که البته بدلیل خلاء قدرت ناشی از فروپاشی شوروی، بی‌ثباتی‌های قومی و سیاسی بازمانده از دوران شوروی، التهاب یافته و باعث بی‌ثباتی منطقه گردید.

به‌طور خلاصه آمریکا به قفقاز جنوبی به‌عنوان حوزه‌ای که محلی برای گسترش حوزه‌ی نفوذ خود به‌عنوان بازیگری قدرت‌مند در حوزه اوراسیا و قدرت برتر جهانی فعال در عرصه بین‌الملل می‌نگرد. از این رو، آمریکا و هم‌پیمانانش، نفوذ در منطقه قفقاز جنوبی را به‌عنوان ورود به هارتلند جدید تصور می‌کنند؛ چراکه منطقه اوراسیا محل تلاقی حوزه‌های نفوذ قدرت‌های بزرگ به‌حساب می‌آید و این رخ نمایانند آمریکا و هم‌پیمانان در قفقاز دارای اهمیت بالایی است. با این حال جایگاه منطقه‌ای آذربایجان مشخص شد.

۸. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان

۸-۱. ساختار طبیعی

کشور آذربایجان با وجود برخورداری از ۸۲۵ کیلومتر ساحل در دریای خزر، به آب‌های آزاد دسترسی ندارد و چون از نظر موقعیت طبیعی ژئوپلیتیکی محصور در خشکی بوده و دارای منابع انرژی فراوانی است جزو کشورهای «سامانه بسته»^۱ محسوب می‌شود (ملک جمشیدی، ۱۳۹۳: ۴۰). وجود عامل بسته بودن تبعاتی از قبیل «تأثیر منفی در تجارت با شرکای استراتژیک» را برای آذربایجان فراهم می‌آورد که ارتباط آن کشور با ایران را تحت الشعاع قرار می‌دهد. چراکه بسته بودن سیستم ارتباطی طبیعی در تجارت و مبادلات تجاری آذربایجان با کشورهای غیر هم‌مرز تأثیر منفی دارد؛ به ویژه با کشورهایی هم‌چون آمریکا و ترکیه. لازم به یادآوری است که آذربایجان در مورد هرگونه ارتباط با ترکیه به‌عنوان متحد راهبردی آن دولت در منطقه، متکی به خاک گرجستان یا

^۱. Land lock

ایران می‌باشد که همین امر مزیت رقابتی خوبی را برای ایران فراهم می‌آورد. این کشور از نظر موقعیت جغرافیایی نیز از دو موقعیت مربوط به خاک اصلی و برون بوم نخجوان برخوردار است.

۸-۲. مرزها و شکل کشور

شکل کشور آذربایجان چند پهلو و نامناسب بوده و در عین برخوردار از امنیت طبیعی ضعیف، از عمق استراتژیکی مناسبی برخوردار است (ملک جمشیدی، ۱۳۹۳: ۴۳). مرزهای بین‌المللی آذربایجان از دیدگاه امنیتی دارای ویژگی‌های خاص هستند. آذربایجان دارای ۲۴۰ کیلومتر مرز مشترک با روسیه و ۳۴۰ کیلومتر مرز با گرجستان است که مرزی کم تحرک و دوستانه محسوب می‌شود. مهم‌ترین مرز آذربایجان از دیدگاه دفاعی-امنیتی، مرز مشترک ۷۶۶ کیلومتری این کشور با ارمنستان است که یک منطقه فعال امنیتی به شمار می‌رود و گذرگاه لاجین در مرز «تنگه لاجین» مهم‌ترین معبر استراتژیکی در این منطقه می‌باشد (امیراحمدیان، ۱۳۸۲: ۱۳). آذربایجان با وجود برخوردار از ۸۲۵ کیلومتر ساحل در دریای خزر از موقعیت ساحلی برخوردار نبوده و به آب‌های آزاد راه ندارد. در عین حال مرز دریایی آذربایجان و وجود بندر باکو در این منطقه با توجه به مناقشه دیرین آذربایجان و ارمنستان دارای نقش حیاتی و استراتژیکی برای این کشور بوده و از عمق نسبتاً مناسبی در برابر تهاجم‌های ارامنه برخوردار است (ملک جمشیدی، ۱۳۹۳: ۴۳).

۸-۳. منابع آب و رودخانه‌ها

از نظر منابع آب، مهم‌ترین متغیر از دیدگاه دفاعی-امنیتی، قرار گرفتن رودخانه‌های مهم آذربایجان در مناطق مرزی با همسایگان خود یعنی ایران، گرجستان و ارمنستان و عبور یا سرچشمه گرفتن بسیاری از این رودخانه‌ها و شعبات آن از خاک دو کشور اخیر می‌باشد. رودخانه‌های مرزی این کشور عبارتند از: آلازان و یوری در مرز گرجستان، رودخانه سامور در مرز با روسیه و ارس که آذربایجانی‌ها آن را آراز می‌خوانند در مرز ایران و ترکیه (امیراحمدیان، ۱۳۸۵: ۱۵).

۸-۴. توپوگرافی آذربایجان

سرزمین آذربایجان به لحاظ طبیعی و توپوگرافی به پنج منطقه‌ی متمایز تقسیم می‌شود:

۱- ناحیه قفقاز کوچک: این قسمت کوه‌های موروداغ، سوان شرقی، زنگه زور، درلیز، قره باغ، فلات قره باغ و قسمتی از رشته کوه‌های موغروز را در برمی‌گیرد. رودهای آقاستفا، شامخور، طاووس، زهیم، قوشقا، گنجه، ترتر، خاچین و ... از رشته کوه قفقاز کوچک سرچشمه گرفته در خاک آذربایجان جاری می‌شوند. دریاچه کوهستانی گوگل که از معروف‌ترین و زیباترین دریاچه‌های کوهستانی است در ارتفاعات این رشته کوه واقع شده است. معادن ارزشمند طلا و مس «گنده بی» آهن «داشکسن» منگنز، آلونیت گرانت، مرمر و کبالت در این ناحیه وجود دارد.

۲- ناحیه جمهوری خودمختار نخجوان: اراضی این جمهوری به سه قسمت دشت‌های هموار، پای کوه‌ها و نقاط کوهستانی تقسیم می‌شود.

۳- جلگه کر ارس: بارندگی کم است و بسیاری از قسمت‌های این جلگه را مراتع زمستانی تشکیل می‌دهد.

۴- ناحیه قفقاز بزرگ: قسمت‌های جنوب شرقی رشته کوه‌های قفقاز بزرگ در اراضی آذربایجان قرار دارد. این قسمت از قله ۳۳۸۵ متری تینو و روسسو آغاز و تا جزیره آبشرون کشیده می‌شود. مرتفع‌ترین قله آذربایجان با نام «بازاردوزو»^۱ در این ناحیه واقع است.

۵- ناحیه کوهستانی تالش و جلگه لنکران: رشته کوه‌های تالش دارای سه رشته اصلی است. در میان آن‌ها طولانی‌ترین رشته کوه‌های تالش است که هم‌جوار با ایران به طول ۱۰۰ کیلومتر کشیده شده است و تا هشت کیلومتری ساحل خزر ادامه دارد (امیراحمدیان، ۱۳۸۲: ۱۰-۹).

۸-۵. اهمیت استراتژیک کوه‌های قراباغ

کوه‌های قفقاز کوچک در منطقه قره باغ سدی دفاعی و طبیعی در مقابل مناطق هموار و دشت‌های شیروان و گنجه پدید آورده است. این بلندی‌ها دارای اهمیت نظامی فراوان است. با استقرار نیروهای نظامی در این بلندی‌ها، می‌توان راه‌های ارتباطی آذربایجان را در دشت‌های پیرامون در دسترس توپخانه قرار داد، موردی که ارمنستان با در اختیار داشتن این بلندی‌ها از آن بهره‌مند شده است. ارمنستان این منطقه را جزو وحدت جغرافیایی خود دانسته و آن را مکمل خود می‌داند. آذربایجان نیز معتقد است که این منطقه کوهستانی مکمل آذربایجان است. (امیراحمدیان: ۱۳۸۴-۳۲)

۸-۶. وضعیت اقلیم

از لحاظ آب و هوایی، جمهوری آذربایجان دارای چندین نوع آب و هوای مختلف است. به طوری که ۱۱ ناحیه آب و هوایی ۹ گونه ناحیه در آذربایجان وجود دارد. اقلیم آذربایجان نیز متأثر از این وضعیت است، به گونه‌ای که از سواحل دریای خزر تا کوهستان‌های نخجوان تنوع آب و هوایی را شاهد هستیم. بیش از نصف مساحت این کشور کوهستانی است و نیز وجود اقلیم‌های خاص باعث شده است تا فرسایش آبی و بادی پدیده‌ای رایج در این سرزمین باشد. طی ۵۰ سال گذشته نزدیک به ۱۵ درصد از اراضی کشور در معرض فرسایش قرار گرفته‌اند (واحدی، ۱۳۹۲: ۱۸).

جمهوری آذربایجان در مناطق مرکزی و شرقی دارای آب و هوای زیر استوایی خشک با زمستان‌های ملایم و تابستان‌های طولانی و بسیار گرم است. متوسط دما در این مناطق ۲۷ درجه است که حداکثر به ۴۷ درجه نیز می‌رسد. جنوب این کشور با بیش‌ترین میزان بارش از ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ میلی‌متر مواجه است (اسدی کیا، ۱۳۸۷: ۷۹).

^۱. Mount bazarduzu

۹. چالش‌های امنیتی ایران و آذربایجان

بر اساس نمونه‌های عملی موجود و یا مدل‌های نظری، به‌طور کلی، سه الگو برای تثبیت یک وضعیت امنیتی در سطح منطقه‌ای قابل تصور است:

۱- الگوی امنیت مبتنی بر موازنه قدرت: در این الگو، ترکیبی چند قطبی از کشورهایی وجود دارد که دارای روابطی سیال و بر اساس سود و زیان مقطعی هستند که در طول زمان ممکن است تغییر کند. در این الگو منطق موازنه قوا پذیرفته شده است و به‌طور کلی هیچ کشوری به‌طور دائم دوست و یا دشمن شناخته نمی‌شود. این الگو بر پایه تهدیدات آشکار و نهان نظامی استوار است، اما وجود این تهدیدات به معنی نادیده انگاشتن حاکمیت، منافع ملی و نگرانی‌های امنیتی سایر بازیگران نیست. در مورد همه کشورها سطوح مختلفی از منافع مشترک یا متعارض وجود دارد و وجوه مشترک تقریباً به همه کشورها در هر منطقه اجازه می‌دهد که براساس شرایط با یکدیگر متحد شوند. به موجب الگوی مزبور کشورها تا حدی دارای ارزش‌ها و منافع مشترکی هستند و از این‌رو، تعاریف مشابهی از امنیت و ثبات ملی دارند؛ در این چارچوب، کشورها موجودیت سایر بازیگران را به رسمیت می‌شناسند و اولویت‌های سیاسی کشورها به‌طور معقولی قابل پیش‌بینی و در طول زمان ثابت است (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۷).

۲- الگوی هژمونیک: الگوی دوم برای ایجاد چارچوب امنیتی منطقه‌ای، الگوی هژمونیک است که براساس غلبه منافع یک بازیگر بر سایر بازیگران و کاربرد عملیاتی ابزارهای نظامی و اقتصادی برای اعمال سیاست بازدارندگی طراحی می‌شود. براساس این الگو، صف دوستان و دشمنان از یکدیگر تفکیک می‌شود. در این الگو، رویکردی اجماعی برای مقابله با کشورهای غیر دوست وجود دارد و از همه امکانات و ابزارهای مختلف برای محدود کردن از جمله عدم دسترسی به فن‌آوری‌های پیشرفته و تجهیزات نظامی استراتژیک استفاده می‌شود (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۷).

۳- الگوی امنیت جمعی: این الگو نگاه متفاوتی به سیاست بین‌الملل دارد و تفکر اصلی و مرکزی حاکم بر آن عبارت از این است که همه کشورها می‌توانند امنیت نسبی را از طریق پذیرفتن تعهدات متقابل در خصوص محدود کردن توانایی‌های نظامی برای خویش تأمین کنند. امنیت مبتنی بر همکاری و مشارکت در وهله اول بر ممانعت از کشمکش‌های بین‌دولتی، متمرکز است. همچنین از امنیت مبتنی بر همکاری برای حفظ امنیت افراد یا گروه‌ها در دولت‌ها استفاده می‌شود. این رویکرد به شنیده شدن صداهای غیردولتی نیز توجه دارد و علاوه بر تأکید بر گسترش باب گفتگو و همکاری میان دولت‌های منطقه‌ای، گفتگوهای امنیتی غیر رسمی میان عناصر غیردولتی مانند نخبگان و دانشگاهیان را نیز مدنظر قرار می‌دهد. از این‌رو، رویکرد مذاکره در جهت تشویق امنیت مبتنی بر همکاری و مشارکت علاوه بر بازیگران ملی، بازیگران و صداهای فراملی را نیز در یک سطح پایین‌تر و مکمل مورد توجه قرار می‌دهد (واعظی، ۱۳۸۵: ۳۳-۳۱).

۹-۱. تاریخ سازی باستانی

در این تاریخ سازی، پیشینه‌ی کشور آذربایجان به زمانی پیش از پیدایش ایران برگردانده شد و ادعا گردید که در عهدنامه‌ی گلستان و ترکمانچای قسمت شمالی این کشور به خاک روسیه منضم شد و قسمت جنوبی جزء خاک ایران درآمد؛ قسمت شمالی این کشور پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آزاد شده، اما قسمت جنوبی هم‌چنان در دست ایران است و مردم آذربایجان خواستار آزادی قسمت جنوبی کشور خود هستند. هیچ سندی وجود ندارد که نشان دهد تا قبل از سال ۱۹۱۸ م، که دولت مساوات در باکو بر سر کار آمد، شمال ارس، آذربایجان نامیده می‌شد. واقعیت آن است که این سرزمین با نام اران و شیروان از دیرباز جزء خاک ایران بوده است. البته اقوامی که در این منطقه زندگی می‌کردند با هم تفاوت داشتند.

این که ایران در مقابل جمهوری آذربایجان حالت تدافعی دارد به دلیل این تصور است که بعضی از تصمیم‌گیران فکر می‌کنند در آن جا ظرفیتی بین‌المللی وجود دارد که ما می‌توانیم از آن برای توسعه‌ی روابط حداکثری خود استفاده کنیم. این در حالی است که در جمهوری آذربایجان مبانی قدرت وجود ندارد؛ زیرا عمق استراتژیک این کشور و قدرت اقتصادی و نظامی آن ناچیز است و جمعیت بسیار اندکی در آن زندگی می‌کنند.

با تجاوز شوروی به ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال دویست هزار کیلومتر مربع خاک ایران قدرت هرگونه مخالفت با دولت متجاوز از سوی دولت ایران سلب شد.

نظر به مبارزه شوروی با آلمان در جبهه غربی و روسیه، کشورهای انگلیس و ایالات متحده به شدت مواظب بودند تا تکدر شوروی فراهم نشود نظر به همین ملاحظات تا قبل از شکست آلمان یکه تازی شوروی در صحنه سیاسی ایران ادامه داشت. در این میانه استالین سعی بر استفاده از فشارهای عوامل وابسته به خود هم‌چون حزب توده برای گرفتن نفت شمال را داشت. با سرسختی مجلس و عدم نتیجه‌گیری شوروی‌ها، با جلب نظر استالین، میرجعفر باقراف رئیس جمهوری آذربایجان شوروی قرار را بر تشکیل فرقه دموکرات در آذربایجان نهاد و تشکیلات حزب توده در آذربایجان و مناطق ترک زبان منحل و در فرقه دموکرات ادغام شدند.

نظر به حساسیت مردم ایران، شوروی‌ها می‌دانستند که در صورت عیان شدن داغ وابستگی این فرقه به روس‌ها، جایگاه فرقه در میان مردم آذربایجان به شدت نزول خواهد کرد، عاملی که باعث شده بود پشتیبانی علنی شوروی‌ها از فرقه تا حداکثر ممکن تقلیل یابد و فقط عده‌ای خاص از این رابطه محرمانه خبر داشتند. در سایه حمایت‌های ارتش سرخ، افراد اعزامی از آذربایجان شوروی و هم‌چنین گره خوردن مسائل داخلی نظیر تنگناهای معیشتی، تبعیض، رکود، بیکاری و شعارهای ترکی، نشو و نمای فرقه را در بسیاری از نقاط باعث شد و با گذشت زمان و آشکار شدن بسیاری از زوایای پنهان این حرکت، بدنه مردم آذربایجان ضمن فاصله گرفتن از فرقه برای سقوط آن لحظه

شماری می‌کردند. غیر مستند بودن نظریه قدرت فرقه در میان مردم همین قدر بس که پس از توافق قوام و استالین و خروج ارتش سرخ از ایران، در کم‌ترین زمان ممکن - قبل از رسیدن ارتش ایران - حکومت فرقه دموکرات به دست مردم آذربایجان برچیده شد. رهبران وابسته و درجه یک زودتر از موعد مقرر و عده‌ای نیز پس از ۲۱ آذر ۱۳۲۵ از طریق مرز آستارا و بیله سوار و ... به آذربایجان شوروی فرار کردند.

در خلال جنگ‌های ایران و روس در قرن نوزدهم آذربایجان به دو قسمت تقسیم نشد، و این قلمرو ایران در بخش‌های شمالی رود ارس بود که به دست روس‌ها سقوط کرد، یعنی حوزه‌های مسیحی نشین گرجستان و ارمنستان در شمال و شمال غرب و بخش‌های مسلمان نشین و شرقی آن که در روزگار کهن به البانیای قفقاز شهرت داشت و در دوران اسلامی نیز آران نام گرفت و بعد از استقرار طوایف ترک و مغول در آن حوزه به نام خان نشین‌های چون گنجه و شروان، قراباغ و ایروان ... شهرت داشت. ایالت آذربایجان با حدود ثغوری مشخص - از جمله رود ارس که آن را از قفقاز جدا می‌کرد - نیز در قلمرو ایران بر جای ماند (محمدی، ۱۳۹۵: ۴۷) این جعل تاریخ و مصادره آن در تنش با روابط ایران و آذربایجان است.

۹-۲. تاریخ‌سازی آذری

تاریخ‌سازی یکی از اقداماتی است که آن‌ها برای این منظور انجام می‌دهند. مراجعه به کتاب‌های تاریخی نگاشته شده در این زمینه، که بدون ارجاع به منبع، در آن‌ها مطالبی بیان شده، دلیلی آشکار بر جعل تاریخ به دست آن‌هاست. این نوع تاریخ‌نگاری فقط به کتاب‌های درسی مدارس محدود نمی‌شود، بلکه در سطوح دانشگاهی هم نمونه‌های بسیاری از کتاب‌های بدون منبع را می‌توان یافت که از پیگیری این سیاست در هر دو سطح آموزشی برای پرورش نسلی مخالف با ایران حکایت می‌کند. در دوره‌ی تسلط حکومت اتحاد جماهیر شوروی بر آذربایجان، نگرش وجود شوروی به نام آذربایجان که به دو بخش جنوبی و شمالی تقسیم شده است، به مردم این منطقه تزریق شد، اما به دلیل آن که مبانی قومیت شامل فرهنگ، تاریخ و مرزهای مشترک می‌شود، مردم آذربایجان تحت سلطه‌ی شوروی با ایرانیان آذری زبان احساس هم‌قومی می‌کردند. آنچه این احساس را عمق می‌بخشید ارتباط فامیلی و سنتی میان این دو گروه از مردم بود که سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ی روسیه و سپس شوروی سبب جدایی آن‌ها شده بود. به دلیل وجود همین احساس بود که پس از فروپاشی شوروی بر عامل زبان، که رکنی ثانوی در مبانی قومیت است، تأکید بسیار شد با آگاهی از این موضوع که این عامل، به دلیل تعدد زبان و لهجه در ایران می‌تواند در جدایی مردم آذربایجان از ایران مؤثر عمل کند، هم‌چون ابزاری مهم در اجرای سیاست هویت‌سازی به کار گرفته شد. در حال حاضر فضای نامساعد حاکم بر این کشور در مورد ایران و ذهنیت مسموم بسیاری از جوانانشان نسبت به مردم ایران از موفقیت سردمداران این کشور در اجرای این سیاست پرده برمی‌دارد.

جمهوری آذربایجان نتوانسته از طریق تاریخ‌نگاری، تحریک گروه‌های ترک زبان ایران، اتهام-زنی مبنی بر کمک ایران به ارمنستان و اقداماتی از این دست، به امنیت ملی ایران صدمه بزند. بنابراین، برای ضربه زدن به امنیت ایران، تنها یک راه پیش روی باکو باقی مانده است و آن کمک به دشمنان استقلال ایران است.

پان آدریس‌م امروزی باکو دنباله همان رؤیای عثمانیان در اوائل سده دهم هجری است که تجزیه تسخیر ایران را کلید تسلط بر سراسر مشرق اسلامی می‌دانستند. در حقیقت، الحاق‌گرایی باکو نسبت به اراضی ایران تنها سرودی نیست که استعمار غربی و اوراسیایی یاد مستان داده باشند مستانی مانند سلیم یاووز و سلیمان قانونی این گونه سرودها را حتی پیش از استعمار هم می‌دانستند؛ ولی در سده گذشته آن‌ها را از یاد برده بودند و هنر استعمار این بود که آن‌ها را به یادشان آورد تا این بار به دست همین مستان و بر زمینه حقوق انسان‌ها و اصالت زبان مادری و احترام به فرهنگ اقلیت‌ها و این‌گونه دروغ‌های غربی هدف شوم خود یعنی نابودی ایران را به پیش ببرد (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۱۰۳).

۹-۳. رژیم حقوقی دریای خزر

مسئله تقسیم دریای خزر و تعیین رژیم حقوقی آن از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در تعیین مناسبات دو کشور است. موضوع رژیم حقوقی دریای خزر یک مسئله حقوقی است، ولی به لحاظ تأمین منافع ملی و افکار عمومی دو کشور، خصوصاً ایران که مناطقی از شمال کشور را در قرون گذشته از دست داده است از حساسیت خاصی برخوردار می‌باشد.

طبق دیدگاه جمهوری اسلامی، ایران رژیم حقوقی خزر باید با توجه به قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و بر اساس ۵۰ درصد سهم مشاع ایران تعیین شود و اگر کشورهای ساحلی اصرار بر تقسیم دریا داشته باشند، حداقل سهم ایران، ۲۰ درصد در سطح منابع آبی و هم‌چنین بستر دریا خواهد بود. در مقابل دیدگاه آذربایجان کاملاً متفاوت است. از دیدگاه این کشور، سطح خزر می‌تواند به صورت مشاع مورد بهره‌برداری مشترک کشورهای ساحلی قرار گیرد، اما بستر دریا باید بر اساس طول خط ساحلی کشورها تقسیم شود (عباسی، ۱۳۸۸: ۱۲).

افزون طلبی اقتصادی بعضی از کشورهای حاشیه این دریا و قراردادهای یک طرفه آمریکا و دیگر کشورها با دولت‌های منطقه در خصوص نفت و گاز، تبیین حقوقی مسأله را از پیچیدگی بیش‌تری برخوردار ساخته است؛ چه این که مسائل حقوقی این دریا، با مسائل سیاسی، بین‌المللی، جغرافیایی و غیره ارتباط دارد. در یک کلام، «اقتصاد» و «سیاست» از اهم اموری است که به نحوی با «حقوق دریای خزر» مرتبط بوده و بررسی حقوقی مسأله، نیازمند ملاحظه این دو عامل نیز می‌باشد (کامران، ۱۳۸۸: ۳۶).

۹-۴. تحریم ایران

- هم‌سویی تمام ایار حتی بیش‌تر از کشورهای غربی با سیاست‌های تحریمی آمریکا و اتحادیه اروپا نسبت به ایران
- ایجاد محدودیت‌ها برای بانک ملی شعبه ایران، که آن را تبدیل به محلی که صرفاً نام بانک دارد کرده است.
- ممنوعیت انتقال بیش از ده هزار دلار توسط هر فرد و درخواست مدارک برای بیش‌تر از این مبلغ
- بستن همه عابر بانک‌های بانک ملی.
- دستور اکید به تمامی بانک‌های آذربایجان برای قطع ارتباط با بانک ملی ایران.
- محدود شدن حساب‌های سفارت به یک حساب در اثر مشکل تراشی‌های طرف آذری.
- ابلاغ ممنوعیت گشایش حساب برای ایرانیان به تمام بانک‌های ایرانی‌های آذری.
- به تعطیلی کشاندن چندین کارخانه بزرگ ایرانی در باکو مانند ایران خودرو و کارخانه مواد شوینده در سال ۲۰۱۱ (<https://qafqaz.ir/fa>).

۹-۵. روابط با اسرائیل

- اسرائیل هشتمین فروشنده سلاح پس از آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلیس، آلمان، چین و ایتالیا است. سومین خریدار تسلیحات از اسرائیل، پس از هند و کره جنوبی جمهوری آذربایجان می‌باشد.
- این تسلیحات خریداری شده بیش‌تر سیستم موشکی، راداری، ماهواره‌ای و هواپیمایی بدون سرنشین می‌باشد. بیش‌تر این سلاح‌ها مربوط به فعالیت‌های نظامی حوزه خزر، مرزهای ایران و سرکوب‌های داخلی می‌باشد نه منطقه جنگی قراباغ.
- اسرائیل و آمریکا، از ایستگاه راداری در شهر تالش نشین آستارا برای جاسوسی در مورد ایران استفاده می‌کنند (<http://fa.arannews.com/News/14412>).
- الهام علی‌آف رئیس‌جمهور آذربایجان در آغاز سال تحصیلی ۲۰۱۲ زنگ یک مدرسه یهودی در باکو را به صدا در آورد.
- به گزارش شبکه پرس تی‌وی، پس از تشدید فعالیت‌های سامانه راداری آمریکا در منطقه آستارای تالش نشین جمهوری آذربایجان و حضور مستشاران نظامی رژیم صهیونیستی در آن کشور، اکنون آذربایجان هواپیماهای بدون سرنشین فوق سبک و تا حدی غیر قابل رؤیت با موتور

الکتريکی «اوربیتر»^۱ را که با همکاری متخصصان اسرائیلی مونتاز شده‌اند برای اجرای عملیات بر فراز مرزهای مشترک خود با ایران و قرا باغ به پرواز در می‌آورد (https://www.irinn.ir/fa/news/3861).

۹-۶. کمک به تروریست‌های هسته‌ای

جمهوری آذربایجان عملکرد مهمی در ترورهای هسته‌ای ایران داشت که خلاصه این اقدامات ذکر می‌شود:

- هدایت و ترور شهید مسعود علی محمدی و مصطفی احمدی روشن از باکو و تحت رهبری شخصی یهودی به نام جعفر خوش‌زبان با نام مستعار جاویدان و پناه دادن به این تروریست و عدم استرداد او به جمهوری اسلامی ایران

- ارائه امکانات فنی و لجستیکی و بمب‌های انفجاری و آموزش تروریست‌های هسته‌ای توسط تیم‌های امنیتی مشترک باکو- تل آویو.

- ارائه تسهیلات گسترده به مجید جمالی فشی در فرودگاه حیدر علی آف باکو جهت سفر مکرر به تل آویو از قبیل اسناد ساختگی و جعلی و همچنین ملاقات با مأموران موساد در باکو و مهر نزدن برای ورود و خروج به فرودگاه باکو در پاسپورت وی.

- ارائه پایگاه سازمان موساد و سیا در باکو جهت خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای ایران.

- تأمین بخشی از وسایل مورد نیاز تروریست‌های هسته‌ای در باکو.

- فراری دادن بعضی از تروریست‌ها به اسرائیل پس از ترور بعضی از شهدای هسته‌ای ایران به دست عوامل امنیتی جمهوری آذربایجان (احمدی، ۱۳۹۳: ۳۴۰).

۹-۷. پایگاه‌های ضد ایرانی

نسب رادار گرین پاین برای جاسوسی از ایران از جمله اقدامات ضد ایرانی آذربایجان است. رادار گرین پاین، توانایی کشف و شناسایی موشک‌های بالستیک را در مسافت ۵۰۰ کیلومتر دارد. گرچه باکو اعلام کرده هدف از نصب این رادار ارمنستان است ولی از محل نصب این رادار در باکو تا غربی‌ترین مرز ارمنستان چند ده کیلومتر فاصله است. روزنامه ساندی تایمز انگلیس نوشت که موشک‌های ایران پیش از شلیک شدن به سمت اسرائیل توسط رادارهای آمریکایی شناسایی و اطلاعات آن به اسرائیل منتقل خواهد شد و اسرائیل از طریق هواپیماهای بدون سرنشین مستقر در خاک جمهوری آذربایجان سکوها‌ی پرتاب موشک‌های ایران را در محل پرتاب هدف قرار خواهد داد (احمدی، ۱۳۹۳: ۳۳۷). این رادارها، با شناسایی پایگاه موشکی ایران فرصتی ۱۳ دقیقه‌ای را در

^۱. ORBITER

اختیار پهبادهای اسرائیلی مستقر در خاک جمهوری آذربایجان قرار خواهند داد تا مانع پرتاب موشک‌های ایران شوند. عملکرد دیگر آذربایجان بر ضد ایران، اختصاص دادن پایگاه نظامی به اسرائیل جهت اقدامات ضد امنیتی در مورد ایران مثل پایگاه استایل کی ۱ در ۵۰ کیلومتری شمال باکو است که توسط فارین پالیسی افشا شد.

۸-۹. خریدهای تسلیحاتی

خرید تسلیحات از اسرائیل برای استقرار در جمهوری آذربایجان در تقابل با ایران مثل پهبادهای دور پرواز و رادارهای دارای برد بلند در پایگاه‌های استایل کی که مبلغ آن ۱/۶ میلیارد دلار اعلام شد.

۹-۹. تبلیغات تجزیه‌طلبی

- تبلیغات ضد ایرانی و تجزیه‌طلبانه در رادیو باکو برای آذری‌های ایران.
- برگزاری میزگردهای از سوی مؤسسات رسمی و دولتی آذربایجان با نیت تحریف استقلال و تاریخ ایران نظیر برگزاری میزگرد سالگرد قیام خیابانی از سوی مؤسسات شرق‌شناسی باکو و تحریف ماهیت این قیام.
- شبکه ماهواره‌ای لیدر تحت پوشش ریاست جمهوری آذربایجان از سوم اوت ۲۰۰۱ از طریق هات برد و یوتل ست تبلیغ القاء وطن پرستی به جوانان آذربایجان مبنی بر دوست داشتن آذربایجان جنوبی می‌کند.
- برگزاری کنگره آذری‌های جهان و ادعای تجزیه‌طلبی در ایران.
- فعالیت گروه‌های قوم‌گرا و تجزیه‌طلبی ضد ایرانی نظیر داک و افتتاح ساختمان جدید داک در باکو در ۲۱ آذر سال ۸۹ با حمایت‌های دولت جمهوری آذربایجان.

۱۰. چالش‌های امنیتی ایران و آمریکا

تاریخ روابط دو کشور ایران و آمریکا در جریان انقلاب اسلامی و بعد از پیروزی، فراز و نشیب‌های بسیار دارد و به همین دلیل تحقیق ویژه‌ای را می‌طلبد. موقعیت و جایگاه جهانی این کشور و تأثیرگذاری آن بر بسیاری از سیاستگذاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، خصوصاً در ارتباط با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند، مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه صورت گیرد، و مراکز مطالعاتی امکانات و فرصت‌های بیش‌تری را به این موضوع اختصاص دهند.

1. Sital Kay

حضور در ایران با اشغال ایران توسط متفقین در جریان جنگ جهانی دوم و حضور تأثیر گذار ایالات متحده در ایران، زمینه‌های حضور گسترده و سلطه‌ی همه جانبه‌ی آن فراهم شد. آمریکا با درک موقعیت استراتژیک و ژئواستراتژیک ایران و برخورداری از منابع عظیم نفت و همسایگی با شوروی، گسترش روابط دو جانبه و حذف سلطه‌ی انگلیس، سلطه‌ی مستقیم را در سیاست‌های استراتژیک خود قرار داد.

به گونه‌ای که با افزایش حجم کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم، تشکیل شبکه‌ی جاسوسی و جذب عوامل و دوستان، نفوذ در دستگاه‌های نظامی و غیرنظامی، تأثیرگذاری بر افکار عمومی، با حمایت از تمامیت ارضی ایران در جریان تجزیه‌ی آذربایجان توسط شوروی، طرح شعارهای استقلال، توسعه و آزادی در جهت تحقق اهداف بلندمدت خود اقدام کرد.

چالش ایران و آمریکا در سال‌های اخیر وارد مرحله‌ی جدیدی شد که تشدید اقدامات و تهدیدات و اخیراً طرح مسأله‌ی «سلاح هسته‌ای و کشتار جمعی» بر چالش‌های قبلی افزود و جنجال آفرینی‌ها، اغتشاشات، هرج و مرج برای تکمیل و تأثیرگذاری بیش‌تر تهدیدات امنیتی سازماندهی و اجرا شد، اما نتیجه‌ی چندانی برای آمریکا نداشت (<http://noo.rs/rmIAU>).

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گام بلندی در جهت سیاست‌های بلندمدت و تسلط بر ایران و حضور همه جانبه و تأثیرگذاری در تمامی زمین‌های دولتی بود. از جمله پی‌آمدها و آثار کودتای ۲۸ مرداد گره خوردن امنیت داخلی و خارجی به اقدامات و سیاست‌های ایالات متحده، در راستای تأمین منافع آن بود.

تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، سازماندهی، تجهیز، آموزشی و گسترش نیروهای مسلح، نفوذ در سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی و اجتماعی بخشی از اقدامات داخلی، تشکیل پیمان بغداد (و تبدیل آن به ستو بعد از خروج عراق)، برقرار کردن روابط ویژه‌ی ایران و اسرائیل، ایفای نقش ژاندارمری در خلیج فارس برای حفاظت از منافع ایالات متحده مقابله و سرکوب گروه‌ها و جریان‌ها و سازمان‌های مسلمان و ضدآمریکایی، مهم‌ترین زمینه‌های اقدامات امنیتی، سیاسی و نظامی دو کشور بود (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

گرچه مشکل آمریکا نه تنها با ایران بلکه با دنیای اسلام است، آن‌ها اسلام را به‌عنوان یک چالش اساسی در مقابل خود می‌دانند. مشکل آمریکا فراتر از مباحث جاری است، مشکل آمریکا با اسلام بر سر مسأله هویت است. به نظر می‌رسد مشکل فراتر از مسائل استراتژیک است و به نوعی فوق استراتژیک به شمار می‌رود. در واقع آمریکا با اندیشه‌ای در حال چالش است که بروز و ظهورش در انقلاب اسلامی است. غرب از سال‌ها قبل با اسلام به‌عنوان یک مدعی دچار چالش شده است؛ زیرا اسلام به لحاظ هویتی و تفکری می‌تواند بنیان غرب را متزلزل کند. با وقوع انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، این چالش بیش‌تر هم شده است. برای این‌که متوجه مشکل

غرب با اسلام شوید، کافی است به وضعیت ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا دقت کنید، مشکل فراتر از مباحثی است که اتحادیه اروپا اعلام می‌کند. اروپایی‌ها از روزی می‌ترسند که هویت اسلامی مردم ترکیه برایشان مشکل‌ساز شود (ذاکر اصفهانی، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۶).

در سال‌های آتی، تروریسم، کشتار جمعی، نقض قوانین آژانس بین‌المللی انرژی و قرارداد «ان پی تی»^۱ و الزام به امضای پروتکل الحاقی، مقابله با روند صلح خاورمیانه، نقض مقررات مربوط به حقوق بشر، بهانه‌ای برای طرح مجدد براندازی می‌شود، اما در مجموع دستگاه‌های آمریکایی در موفقیت این رویکرد اتفاق نظر ندارند. اتخاذ سیاست مقاومت و ایستادگی را می‌توان به عنوان یکی از موضوعات اصلی این استراتژی تلقی نمود، زیرا در استراتژی آمریکا - سیاست نظامی‌گری و تهاجم - جهان اسلام مورد هدف قرار گرفته و ایران به عنوان اصلی‌ترین عضو «محور شرارت» مطرح گردیده است.

۱۱. مسئله بحران قراباغ و رابطه آمریکا

یکی از پایدارترین مناقشات شوروی سابق، بحران ناگورنو قراباغ است. در سال ۱۹۸۸ زمانی که هیئت مقننه این منطقه قطعنامه‌ای را برای پیوستن به ارمنستان به تصویب رساند مناقشه قراباغ اوج گرفت. این منطقه به لحاظ قانونی در چارچوب مرزهای آذربایجان قرار دارد، اما اکثر ساکنان آن را قوم ارمنی تشکیل می‌دهند. در سال‌های پایانی حیات شوروی این منطقه توانست از آذربایجان جدا شود و در نهایت خشونت‌هایی به وجود آمد که صدها هزار آواره بر جای گذاشت. زمانی که اتحاد جماهیر شوروی فرو پاشید، هیئت قانون‌گذاری قره باغ تصمیم به اعلام استقلال کامل گرفت. در سال ۱۹۹۲ جنگ تمام عیار میان آذربایجان و ارمنستان در گرفت. تا سال ۱۹۹۳ نیروهای ارمنستان نزدیک به ۲۰ درصد از اراضی آذربایجان در اطراف قره باغ را اشغال کرده و صدها هزار آذری را به بیرون رانده بودند. این وضعیت تا زمان برقراری آتش‌بسی که با میانجیگری روسیه در ۱۹۹۴ به انجام رسید، ادامه پیدا کرد. در حال حاضر منطقه قره باغ و مناطق اطراف آن در کنترل ارمنستان قرار دارد.

نصب دستگاه‌های کنترل و تشخیص تشعشعات اتمی از سوی آمریکا در مرز ایران و جمهوری آذربایجان براساس توافقنامه میان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آمریکا و مرزبانی جمهوری آذربایجان در نقاط مرزی صدرک، جافا، شاه تختی و شیخلی و تصمیم به توسعه آن‌ها به بیله سوار و آستارا از جمله‌ی دیگر مشکلات در این منطقه است (احمدی، ۱۳۹۳: ۳۵۲).

1. NPT

۱۲. عوامل مؤثر بر روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا

۱۲-۱. حضور آمریکا در آذربایجان

ایالات متحده از مؤثرترین بازیگران فرمانطقه‌ای هست و نقش مهمی را در این منطقه دارد. آمریکا که در چهارچوب استراتژی سلطه‌گرایانه خود به دنبال بسط هژمونی خود در جهان است، براساس این دیدگاه نمی‌تواند نسبت به این منطقه که مرکز اوراسیا را تشکیل می‌دهد، بی‌اعتنا باشد. اهمیت استراتژیک این منطقه چنان است که دایره وسیعی از قدرتهای هسته‌ای یا بالقوه هسته‌ای یا غیر هسته‌ای یعنی روسیه، چین، پاکستان، هند و ایران را پیرامون خود دارد (<http://www.hamshahrionline.ir/details/112696>).

۱۲-۲. حجم مبادلات اقتصادی

بر اساس گزارش بانک جهانی، حجم مبادلات تجاری جمهوری آذربایجان با آمریکا از ۴۹۷ میلیون دلار در سال ۲۰۰۷ به دو میلیارد و ۳۱۶ میلیون دلار در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است (<https://www.eghtesadonline.com/n/7WO>).

۱۲-۳. حمایت‌های مالی آمریکا؛ قرارداد انرژی آذربایجان

شرکت‌های آذرانرژی، سیستم انرژی دولتی گرجستان و ترانس ملی انرژی برق ترکیه در چارچوب حمایت از طرح انرژی آذربایجان - گرجستان و ترکیه تفاهمنامه همکاری متقابل امضا کردند. به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در آسیای میانه، آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا تأمین مالی طرح «پل انرژی» مشترک میان آذربایجان، گرجستان و ترکیه را برعهده گرفته است. گروهی از کارشناسان آمریکایی به بررسی قدرت انرژی هر سه کشور خواهند پرداخت تا برای یکسان بودن سرمایه‌گذاری در این کشورها اقدامات لازم صورت گیرد. آمریکا بر این باور است که این امر منجر به بهبود مبادله و فروش نیروی برق در منطقه خواهد شد و از سوی دیگر امنیت انرژی را نیز تأمین خواهد کرد (محمدی، ۱۳۹۵: ۶۴).

آمریکا به ازای همکاری اطلاعاتی جمهوری آذربایجان بر ضد ایران از پیگیری نقض حقوق بشر و آزادی بیان در این کشور چشم‌پوشی می‌کند. سازمان خانه آزادی با انتشار گزارشی مبسوطی که در اواخر ۲۰۱۲ در مورد ضریب آزادی در جهان برای هشتمین بار متوالی جمهوری آذربایجان را در زمره سه کشور برتر به لحاظ وضعیت حقوق و آزادی انسانی در میان کشورهای شوروی سابق قرار داد (احمدی، ۱۳۹۳: ۳۳۹).

۱۳. اهداف سیاسی

هدف سیاسی آمریکا در ارتقای روابط با جمهوری آذربایجان، تقویت حضور خود در این منطقه است، اما تنها در صورت وجود زمینه‌های لازم برای حضور آمریکا است که شرایط برای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی و نظامی این کشور در آذربایجان فراهم می‌آید. در این راستا آمریکا تمایل دارد با ارائه چهره‌ای از خود که متعهد به فرآیندهای رشد و توسعه منطقه و منافع متقابل است، سیاست‌های خود را در منطقه به پیش ببرد. معرفی آمریکا به‌عنوان یک بازیگر مؤثر در جمهوری آذربایجان و گسترش حوزه‌ی نفوذ خود بر این کشور و مناطق حاشیه‌ی آن از جمله ایران اهداف دیگر این کشور است.

۱۴. اهداف فرهنگی

به‌طور کلی مهم‌ترین اهداف آمریکا و غرب در این منطقه عبارت هستند از:

- ۱- دسترسی به ذخایر و منافع انرژی دریای خزر؛
- ۲- دسترسی به منطقه آسیای مرکزی
- ۳- گسترش حوزه نفوذ خود بر این منطقه و مناطق حاشیه آن به خصوص ایران و روسیه؛
- ۴- ایجاد حاشیه امنیتی برای اتحادیه اروپا با برقراری صلح و ثبات در این کشور؛
- ۵- برقراری صلح و ثبات در منطقه و ترویج دموکراسی و ارزش‌های غربی به‌عنوان یکی از اهداف و سیاست‌های فرهنگی این کشور
- ۶- مطرح شدن آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت بی رقیب و قدرت فعال در سطح منطقه و جهان؛
- ۷- تعریف اروپا به‌عنوان یک بازیگر جدید در منطقه قفقاز؛
- ۸- تقلیل نفوذ کشورهای قدرتمند همسایه نظیر جمهوری اسلامی ایران و روسیه و شاید به نوعی ترکیه.
- ۹- یافتن بازارهای جدید برای کشورهای عضو با همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی.
- ۱۰- سیاست محاصره ایران با استفاده از کشورهای ذره ای همسایه(محمدی، ۱۳۹۵: ۱۵۷).

۱۵. کاهش تجارت خارجی با ایران

تجارت خارجی جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۱ به شش میلیارد دلار رسید که با افزایش ۲۹ درصدی همراه بوده است. طبق گزارش وزارت اقتصاد این کشور حجم بازرگانی دو جانبه‌ی ایران و جمهوری آذربایجان از ۵۵۰ میلیون دلار به ۳۰۰ میلیون دلار کاهش یافت در صورتی که با اسرائیل چهار میلیارد دلار تجارت خارجی داشته است این در حالی است که ایران با جمهوری آذربایجان دارای ۶۱۱ کیلومتر مرز خشکی و هم‌چنین مرز آبی در دریای خزر که پتانسیل بزرگی برای روابط اقتصادی دو کشور است (<http://fdn.ir/33658>).

۱۶. ذخایر انرژی در آذربایجان و اهمیت آن برای آمریکا

علاوه بر موقعیت سیاسی و استراتژیک که باعث تلاش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای حضور در این حوزه گردیده است، وجود ذخایر انرژی چون نفت و گاز بر اهمیت این حوزه جغرافیایی می‌افزاید. قفقاز ۱۶٪ نفت، ۳۱٪ گاز طبیعی و ۶٪ ذغال سنگ اتحاد جماهیر شوروی را تأمین می‌کرد. هم‌چنین، قفقاز توانایی تولید بیش از ۳ میلیون تن فولاد و ۴ میلیون تن سیمان را نیز دارد از دیگر ویژگی‌های برجسته این حوزه جغرافیایی، مسیر و راهرو حمل و نقل انرژی دریای خزر به اروپا می‌باشد که در کاهش وابستگی انرژی اروپا به روسیه بسیار مؤثر خواهد بود که لوله‌های نفت و گاز باکو- تفلیس- جیحان، آذری- چیراگ- گونیشلی و هم‌چنین باکو- ازمیر در این حوزه نیز بر این مبنا احداث شده‌اند.

در کنار این عوامل نقش تجاری و حمل و نقل مسیر تجارت شرق به غرب از لحاظ تاریخی به مسیر و راهرو حمل و نقل شمال به جنوب است. هم‌چنین در قفقاز ۷۰ هزار کیلومتر راه زمینی و ۵۵۰۰ کیلومتر شبکه راه آهن وجود دارد (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۵۷). با آشکار شدن سودمندی منابع انرژی، شمار زیادی از شرکت‌های آمریکایی اروپای نیز به سوی این منطقه روی آوردند. در حال حاضر شرکت‌های آمریکایی اروپایی در طیفی از پروژه‌های نفت دریای خزر حضور داشته و با روسیه و نیز کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی همکاری دارند. اتحادیه اروپا رقم سرمایه گذاری خود را در سال ۲۰۱۱ که حدود ۱۷/۴ میلیارد دلار در منابع غیر ساحلی، ۲۴/۵ میلیارد دلار در منابع ساحلی و ۱۳/۷ میلیارد دلار در طرح‌های انتقال انرژی بود، تا سال ۲۰۱۷ به ۳۸ میلیارد دلار در منابع غیرساحلی، ۵۳ میلیارد دلار در منابع ساحلی دریای خزر و ۳۲ میلیارد دلار در طرح‌های انتقال انرژی منطقه افزایش داد (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۵۹).

۱۷. عوامل اقتصادی

تمایل و اشتیاق کشورهای منطقه‌ی خزر به تولید نفت و گاز که میزان آن بسیار فراتر از مصارف داخلی آن‌هاست، راه را برای حضور کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا باز کرد. حضور آمریکا با توجه به تیرگی روابط تهران- واشنگتن، به ایجاد و تشدید فضای امنیتی در منطقه انجامید و منافع اقتصادی ایران را مختل کرد. کنار گذاشتن شرکت ایرانی نیکو از پروژه احداث خط لوله ترانس اناتوری (که لوله گاز جمهوری آذربایجان را از سواحل ترکیه به اروپا وصل می‌کند) و همچنین، خودداری از عقد قرار داد فروش پنج میلیارد متر مکعبی گاز به ایران به رغم تأمین گاز نخجوان از سوی ایران، بر کاهش جایگاه و مرتبه اقتصادی ایران در این منطقه تأثیر بسزایی داشته است.

۱۸. انتقال تجهیزات نظامی

انتقال تجهیزات و تکنولوژی نظامی بین جمهوری آذربایجان و آمریکا در حالی افزایش یافته که این موضوع یک تهدید عمده برای روابط آذربایجان و ایران به حساب می‌آید. به طوری که خرید پهپادهای جاسوسی و تاکتیکی توسط آذربایجان از آمریکا و اسرائیل مناسبات نظامی بین این کشورها را شدیداً تحت تأثیر قرار داده. همچنین انتقال تجهیزات جاسوسی سیگنالی «سایجنت»^۱ و جاسوسی الکترونیک «النت»^۲ از جمله تجهیزات منتقل شده از آمریکا و اسرائیل به جمهوری آذربایجان است.

ارتقاء جنگنده‌های سوخو-۲۵ آذربایجان توسط صنایع «البیت»^۳ رژیم صهیونیستی گامی دیگر در همکاری‌های نظامی جمهوری آذربایجان و اسرائیل است. این جنگنده‌های سبک که مأموریت پشتیبانی از نیروهای زمینی را به عهده دارند بازمانده از دوران شوروی بودند که به وسیله‌ی سیستم‌های جنگ الکترونیک، کابین خلبان تمام دیجیتالی و سامانه دفاع در برابر موشک‌های حرارتی ارتقاء داده شدند (<https://www.mehrnews.com/news/2568664>).

۱۹. نتیجه‌گیری

جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از همسایگان شمالی ایران، دارای مشترکات تاریخی و مذهبی و پیوندهای فرهنگی متعددی با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. به ویژه مذهب شیعه که معمولاً مهم‌ترین عامل گرایش شیعیان منطقه به ایران و بازوی اعمال قدرت نرم این کشور به

1. SIGET

2. ELINT

3. Elbit

حساب می‌آید، در مورد آذربایجان نتوانسته است به هم‌گرایی این دو کشور کمک کند. این مقوله به عنوان یکی از نقاط استثنا در ترتیبات معمول دولت‌سازی در آذربایجان، مورد مذاقه مقاله حاضر قرار گرفت. به بیان دیگر این مقاله در پی تبیین تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا بر امنیت ملی ایران می‌باشد. که با تاریخ‌نگاری جعلی سعی در دولت‌سازی مدرن و روابط مستقیم با آمریکا و اسرائیل دارد، که به معضلی امنیتی در مرزهای شمالی ایران بدل گردیده است.

مذهب و تاریخ مشترک، نیازهای اقتصادی آذربایجان و امکانات و تجربیات ایران، زمینه‌های گوناگونی را برای همکاری و نزدیکی روابط بین دو کشور فراهم آورده است، اما با وجود این فرصت‌ها، روابط دو کشور فراز و نشیب‌هایی را پشت سر گذاشته است. در جمهوری آذربایجان نیز که بیش از ۸۰ درصد جمعیت آن را ترک‌زبان‌ها تشکیل داده‌اند، جنگ با ارامنه جدایی طلب بر مشکلات اقتصادی ناشی از عملکرد منفی نظام اقتصادی بر جای مانده از دوران اتحاد شوروی و شرایط پس از فروپاشی افزوده است.

نتایج حاصله از بررسی‌های و مطالعات صورت پذیرفته نشان داد جمهوری آذربایجان به دلیل فقدان مبانی قدرت، دچار نوعی انفعال در عرصه‌ی سیاست‌های خارجی و تعامل خود با همسایگان به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران شده است. به بیان دیگر، نبود امکان و قدرت مانور آذربایجان در عرصه‌ی سیاست‌های منطقه‌ای، این کشور را به پیرو سیاست‌ها و مطامح قدرت‌های بزرگ بدل کرده است. به‌طور اجمالی می‌توان ضعف مبانی قدرت آذربایجان را در قالب این موارد دسته‌بندی نمود، نخست فقدان عمق استراتژیک آذربایجان که باعث شکنندگی و آسیب‌پذیری این کشور در میان تهاجمات و تهدیدات خارجی شده است. دوم، جمعیت کم این کشور که پشتوانه لازم را برای تشکیل یک حکومت قدرتمند از این کشور سلب کرده است. مورد سوم به قدرت نظامی پایین آذربایجان مربوط می‌گردد که در برگزیده‌ی ناکارآمدی نیروی انسانی و فساد فراگیر به علاوه ضعف در سخت افزار و زیر ساخت‌های نظامی است.

منابع

- احمدی، حسین (۱۳۹۳). *جمهوری آذربایجان ۲۳ سال تکاپو برای دولت - ملت سازی*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- احمدی، حسین (۱۳۸۵). *تحولات منطقه‌ای ویژه قفقاز*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- اسدی کیا، بهناز (۱۳۸۷). *جمهوری آذربایجان*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۵). «ایران و موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز، بازیگران دو وجهی»، *همشهری دیپلماتیک*، شماره سوم.
- (۱۳۸۴). *روابط ایران و جمهوری آذربایجان*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- (۱۳۸۲). «امنیت جمهوری آذربایجان و ناتو»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوازدهم، دوره سوم، شماره ۴۲، تابستان.
- تقی‌پور، سید محسن (۱۳۸۷). «مؤلفه‌های پایدار فرهنگی در امنیت ملی ج. ا. ا»، *فصلنامه شماره ۳ مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری*.
- جعفری، اصغر (۱۳۹۲). *دیپلماسی دفاعی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای*. تهران: دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- خبرگزاری مهر <https://www.mehrnews.com/news/2568664>
- خبرگزاری آران <http://fa.arannews.com/News/14412>
- خبرگزاری همشهری آنلاین <http://www.hamshahrionline.ir/details/112696>
- خبرگزاری اقتصادآنلاین <https://www.eghtesadonline.com/n/7WO>
- خبرگزاری <http://noo.rs/rmIAU>
- خبرگزاری صدا و سیما <https://www.irinn.ir/fa/news/3861>
- ذاکر اصفهانی، علیرضا (۱۳۸۸). «چالش بنیادین اسلام با ماهیت دیپلماسی غرب»، *سیاست خارجی*، ش ۹۰.
- سیف الدینی، سالار (۱۳۹۳). *ملی‌گرایان بدون ملت: ۲۳ سال تکاپو برای دولت ملت سازی*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- عباسی، مجید (۱۳۹۲). «روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، زمستان، دوره ۶، شماره ۲، صص ۸۰-۶۱
- (۱۳۸۸). *منافع ملی ج. ا. ایران و رژیم حقوقی دریای خزر*. تهران: مؤسسه اقیانوس‌شناسی.
- کامران، حسن؛ حسن نامی، کامران؛ جعفری، فراهاد (۱۳۸۸). «رژیم حقوقی و تحدید حدود دریایی خزر»، *جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)*، سال هفتم، بهار و تابستان ۱۳۸۸، شماره ۲۰ و ۲۱؛ صص ۴۶-۲۵.
- مراذیان، محسن (۱۳۸۹). *مبانی نظری امنیت*. تهران: انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی.
- ملک جمشیدی، سمیه (۱۳۹۳). «روابط آذربایجان و اسرائیل»: دانشگاه آزاد شهرضا؛ *پایان‌نامه روابط بین‌الملل*.
- محمدی، سعید (۱۳۹۵). «تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷»، *دانشگاه آزاد شهرضا؛ پایان‌نامه روابط بین‌الملل*.
- واعظی، محمود، (۱۳۸۹). «انرژی خزر محور همکاری‌های منطقه‌ای در قفقاز»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، تهران، وزارت امور خارجه، شماره ۶۹، بهار.
- واحدی، الیاس (۱۳۹۲). *برآورد استراتژیک آذربایجان*. تهران: ابرار معاصر.

Research Article

The impact of the Azerbaijan-US relations on the national security of the Islamic Republic of Iran from 1991 to 2017

Saeed Mohammadi¹, Ismail Shafiee Sarvestani²

Date of received: 2021/04/25

Date of Accept: 2021/05/15

Abstract

In the present study, the relations between the two countries of the United States and the Republic of Azerbaijan in relation to the Islamic Republic of Iran are discussed. It was independent of the Soviet Union, and the inclination of these countries, especially the Republic of Azerbaijan, to the West - especially the United States - facilitated this influence. It seeks Russian influence on the axis of joining the West and (American-European) structures, especially NATO and the United States. On the other hand, Iran is moving in the direction of regional cohesion and away from the axis of the United States. Therefore, in these areas, the Republic of Azerbaijan does not agree with the direction of Iran's move. Therefore, the fundamental question is what consequences the expansion of political and security relations between Azerbaijan and the United States had for the national security of the Islamic Republic between 1990 and 2017? The Republic of Azerbaijan is one of the groups of countries that have linked their foreign policy with the United States and the West and defined their goals in geographical development and nation-building in relation to Iran. Their security and military have a negative impact on the national security of the Islamic Republic of Iran. This research has been collected by descriptive and analytical methods of collecting information from libraries and the Internet.

Keywords: Nation-Building Government, Iran, Azerbaijan, USA, National Security.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Mohammadi, Saeed; Shafiee Sarvestani, Ismail(2021). "The impact of the Azerbaijan-US relations on the national security of the Islamic Republic of Iran from 1991 to 2017". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 4, Num. 2, S.No. 14, pp. 79 - 106.

¹. PhD in International Relations, Department of Political Science, Shahreza Azad University, Shahrereza, Iran. Email: Smohammadi199@gmail.com

². Associate Professor, Department of Political Science, Shahreza Azad University, Shahrereza, Iran. Email: esmaeilshafiee@yahoo.com

References

- Abbasi, Majid(1388). *National Interests of the Islamic Republic of Iran and the Legal Regime of the Caspian Sea*, Tehran: National Institute of Oceanography. (in Persian)
- Abbasi, Majid(2013), Relations between the Islamic Republic of Iran and the Republic of Azerbaijan Convergence and divergence contexts, Winter, Volume 6, Number 2. (in Persian)
- Ahmadi, Hussein(1385). *Developments in the Caucasus Special Zones*, Tehran: Institute for the Study of Contemporary Iranian History. (in Persian)
- Ahmadi, Hussein(2014). *Republic of Azerbaijan 23 years of striving for state-nation building*, Tehran: Institute for the Study of Contemporary Iranian History. (in Persian)
- Amira Ahmadian, b. (1384). *Relations between Iran and the Republic of Azerbaijan*, Tehran: Office of Political and International Studies. (in Persian)
- Amira Ahmadian, Bahram(1382). "Security of the Republic of Azerbaijan and NATO", *Quarterly Journal of Central Asia and Caucasus Studies*, Year 12, Volume 3, Number 42, Summer. (in Persian)
- Amira Ahmadian, Bahram(1385). "Iran and the Geopolitical Position of the Republic of Azerbaijan in the Caucasus Region, Bilateral Actors", *Diplomatic Fellowship*, No. 3. (in Persian)
- Asadi Kia, b. (1387). *Republic of Azerbaijan*, Tehran: Office of Political and International Studies. (in Persian)
- Jafari, Seyed Asghar(2013) *Defense Diplomacy in Imam Khamenei's Thoughts*, Tehran, Malek Ashtar University of Technology Press. (in Persian)
- Kamran, Hassan(2009). "Legal regime and delimitation of the Caspian Sea", *Scientific Research Journal of the Geographical Society of Iran*. (in Persian)
- Malek Jamshidi, Somayeh(2014), "A Study of Azerbaijan-Israel Relations"; Shahreza Azad University: *Thesis of International Relations*. (in Persian)
- Mohammadi, Saeed(2016), "The Impact of the Relations between the Republic of Azerbaijan and the United States on the National Security of the Islamic Republic of Iran from 1991 to 2017" Azad shahReza University, *Thesis on International Relations*. (in Persian)
- Moradian, Mohsen(2010). *Theoretical Foundations of Security*, Tehran, Farabi Faculty of Science and Technology Publications. (in Persian)
- Seif al-Dini, Salar(2014). *Nationalists without a Nation (23 Years of Striving for a Nation-Building Government)*, Tehran, Institute of Contemporary Iranian History Studies. (in Persian)
- Taghipour, Seyed Mohsen(2008) Sustainable cultural components in national security C.I.A, *Quarterly of the Presidential Research and Documentation Center*. No. 3. (in Persian)

- Vaezi, Mahmoud(2010), "Caspian Energy Axis of Regional Cooperation in the Caucasus", *Central Asia and Caucasus Quarterly*, Tehran, *Ministry of Foreign Affairs*, No. 69, Spring. (in Persian)
- Wahedi, Elias(1392), *Strategic Estimation of Azerbaijan*, Tehran: Contemporary Abrar. (in Persian)
- Zakir Esfahani, Alireza (2009). "The Fundamental Challenge of Islam with the Nature of Western Diplomacy", *Foreign Policy Quarterly*, No. 90. (in Persian)

Internet resources

<https://www.mehrnews.com/news/2568664>

<http://fdn.ir/33658>

<http://fa.arannews.com/News/14412/>

<http://www.hamshahrionline.ir/details/112696>

<https://www.eghtesadonline.com/n/7WO>

<http://noo.rs/rmIAU>

<https://www.irinn.ir/fa/news/3861>



پیشکش گاہ علوم اسلامی و مطالعات قرآنی

رمضان جاریہ علوم اسلامی

۴